

# حاجی فیروز

حاجی فیروز یک شخصیت شاد و خندان است که اواخر اسفند در خیابان‌ها دیده می‌شود و با لباس قرمز و صورت سیاه، گیوه‌هایی نوک‌تیز، کلاه دوکی و یک دایره‌زنگی توی دستش بسیار جذاب و دیدنی است. او سال‌هاست با لباس قرمز که نماد شادی است همه را به جشن رسیدن بهار دعوت می‌کند و از مردم می‌خواهد شاد و خوشحال دعوت باشند. درباره این که چرا صورت حاجی فیروز سیاه است دلایل مختلفی وجود دارد. یکی از آن‌ها این است که این سیاهی نشان‌دهنده‌ی به پایان رسیدن سرما و سیاهی و بدی است و از راه رسیدن گرما و نور و خوبی را بشارت می‌دهد. شعرهایی که حاجی فیروز می‌خواند بسیار ساده اما دوست‌داشتنی هستند.

می‌توانید چند تا از این شعرها را بخوانید و از خواندنش لذت ببرید. شاید شما هم دوست داشته باشید با خواندن این شعرها امسال حاجی فیروز خانه خودتان باشید و همه را خوشحال و شاد کنید.

نذیه محمدی



حاجی فیروزه، سالی یه روزه  
همه می‌دونن، منم می‌دونم  
عید نوروزه، سالی یه روزه

ارباب خودم سومبولی بلیکم  
ارباب خودم سرتو بالا کن  
ارباب خودم لطفی به ما کن  
ارباب خودم به من نگاه کن  
ارباب خودم بز بز قندی  
ارباب خودم چرا نمی‌خندی

بشکن بشکنه بشکن  
من نمی‌شکنم بشکن  
این‌جا بشکنم یار گله داره  
اون‌جا بشکنم یار گله داره  
هر جا بشکنم یار گله داره  
این سیاه بیچاره چقد حوصله داره

ملیحه کامیاب

